

تقابل و تعامل زرتشتیان و مسلمانان در سده‌های نخستین اسلامی؛ ارزیابی انتقادی کتاب ستیز و سازش اثر جمشید گرشاسب چوکسی

محمد تقوی،* سمانه خلیلی‌فر،** محسن معصومی***

چکیده

جمشید گرشاسب چوکسی در کتاب ستیز و سازش؛ زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی، به بررسی مناسبات زرتشتیان و مسلمانان در ایران طی نخستین سده‌های دوره اسلامی پرداخته است. در مقاله حاضر تلاش شده تا با نگاهی انتقادی به این اثر، جایگاه این کتاب در مطالعات اسلام و ایران روشن شود. به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه چوکسی در وهله نخست دین‌پژوه است نه مورخ، کتابش به لحاظ بینش و روش تاریخی ضعف‌های جدی دارد. اگرچه استفاده او از منابع اوستایی و بررسی نقش ادبیات آخرالزمانی و بررسی اجمالی تأثیرپذیری متقابل زرتشتی و اسلامی در تدوین سیره پیامبر(ص) و زرتشت از وجوه برتری این کتاب به شمار می‌رود؛ اما ضعف‌هایی متوجه آن است که ارزیابی آن‌ها در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است. همدلی چوکسی با هم‌کیشان خود، تسلط نداشتن به زبان عربی، ضعف روش‌شناسی و منبع‌شناسی تاریخی و نیز دیدگاه‌ها و تحلیل‌های تاریخی بعضاً نادرست وی از مهم‌ترین ایرادهای کتاب ستیز و سازش است.

کلیدواژه‌ها: ستیز و سازش، جمشید گرشاسب چوکسی، اسلام و ایران، زرتشتیان، مسلمانان، فتوحات عرب.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران. (m.taqaui93@ut.ac.ir)

** دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران. (samane.khalilifar@ut.ac.ir)

*** نویسنده مسئول: دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران (mmassumi@ut.ac.ir)

مقدمه

هجوم عرب‌ها در سده اول هجری به سرزمین ایران و واکنش ایرانی‌ها به این حملات، از موضوع‌های مورد توجه در تاریخ فتوحات اسلامی است. از همان ابتدای فتح اسلامی ایران، میان مسلمانان به عنوان گروه تازه وارد و زرتشتیان به عنوان بومیان ساکن ایران، تقابلهایی صورت گرفت و ایرانیان را به تدریج، رویاروی دو هویت مختلف قرار داد: هویت ملی (ایرانی) و دینی (اسلامی). چالش میان این دو هویت، در عصر حاضر نیز مورد توجه محققان بوده و پژوهش‌های متعددی ذیل دو محور کلی شیوه برخورد ایرانیان با دین اسلام و نقش ایرانی‌ها در پیشبرد اسلام در ایران انجام شده است.^۱ در این میان، کتاب ستیز و سازش جمشید گرشاسب چوکسی به بررسی چگونگی مناسبات زرتشتیان و مسلمانان در ایران اختصاص دارد که بخشی از مسأله تعامل و تقابل دو هویت ایرانی و اسلامی مردمان ایران را شامل می‌شود. آشنایی نویسنده با منابع زرتشتی و بهره‌گیری از آن‌ها، یکی از وجوه برتری کتاب است که در سایر پژوهش‌های این حوزه دیده نمی‌شود. همچنین نگارش کتاب در محیط دانشگاهی غرب سبب شده تا کتاب به لحاظ روشی، با وجود برخی ضعف‌ها (نک: ادامه مقاله)، حائز اهمیت باشد. با این حال به نظر می‌رسد نگارش کتاب ستیز و سازش که محتوای تاریخی دارد، از سوی نویسنده‌ای که در وهله نخست دین‌پژوه است نه مورخ، سبب بروز ضعف‌هایی در این کتاب شده است که در مقاله حاضر تلاش شده به آن‌ها پرداخته شود. به این منظور، مقایسه و تطبیق

۱. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: احسان یارشاطر، «حضور ایرانیان در جهان اسلام»، در مجموعه مقالات حضور ایرانیان در جهان اسلام، ویراسته ریچارد هوانسیان و جورج باغ، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۹-۱۵۱؛ ۱۳۸۱. خسروی و بیات، «مواجهه جامعه ایرانی در برابر سلطه اعراب مسلمان در سده‌های اول و دوم هجری»، ۱۱۷-۱۵۶؛ همان‌ها، «نقش خاندان برجسته ایرانی در فرآیند تعامل دو فرهنگ ایرانی - اسلامی تا سده چهارم هجری»، ۲۵-۴۱؛ کجباف و منصوریان، ۵۷-۷۲؛ فروغی ابری، ۱۱۱-۱۶۲؛ دهقان‌پور و معصومی، ۶۷-۸۹؛ Hinds, 39-53. کتاب‌هایی نیز در این حوزه نوشته شده است که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: چالش میان فارسی و عربی اثر آذرتاش آذرنوش که تعامل و تقابل اسلام و ایران را از لحاظ فرهنگی و زبانی مورد بررسی قرار داده است (آذرنوش، یازده - چهارده)؛ عصر زرین فرهنگ ایران از ریچارد فرای، که فصلی از آن به ورود اسلام به ایران و واکنش ایرانی‌ها اختصاص یافته است (فرای، ۷۱-۹۱) و کتاب گروهش به اسلام در قرون میانه ریچارد بولیت که بر اساس زمان اسلامی شدن نام ایرانی‌ها، تلاش کرده تا پذیرش اسلام از سوی ایرانیان را تاریخ‌گذاری کند (بولیت، ۶۳-۷۷).

دیدگاه‌های چوکسی با داده‌های تاریخی منابع، بررسی منابع مورد استفاده او، ارزیابی روش‌شناسی و نیز بررسی احتمال تأثیر زرتشتی بودن وی در تحلیل برخی وقایع مورد توجه نویسندگان این مقاله بوده است.

هر چهار نقدنامه منتشر شده درباره کتاب ستیز و سازش، به معرفی توصیفی این اثر و نه نقد محتوایی آن اختصاص دارد (Morony, 1999: 423-424; Oxtoby, 1999: 146-148; Malandra, 1999: 202-203; Daryae, 2000: 158-160). نویسندگان این نقدنامه‌ها که همچون چوکسی در وهله اول دین‌پژوه هستند نه مورخ، تقریباً هیچ ضعف تاریخی بر این کتاب وارد نکرده و با توصیفی مختصر از محتوای کتاب (به ویژه مرحله-بندی سه‌گانه چوکسی از گروه ایرانی‌ها به اسلام)، استفاده توأمان او از منابع اسلامی و زرتشتی را ستوده‌اند (Morony, 1999: 423-424; Oxtoby, 1999: 147-148). در این بین، تنها توجیح درباری تا اندازه‌ای نگاه تاریخی به این کتاب داشته و آن را تلاشی برای پر کردن خلاء اطلاعاتی درباره حضور عرب‌ها در ایران دانسته است (Daryae, 2000: 158). بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، ارزیابی انتقادی کتاب ستیز و سازش است.

معرفی نویسنده

جمشید گرشاسب چوکسی از ایرانیان زرتشتی‌مذهب و زاده بمبئی است. او لیسانس خود را در سال ۱۹۸۵ از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد و در سال ۱۹۹۱ موفق به دریافت درجه دکتری از دانشگاه هاروارد شد و از سال ۱۹۹۳ نیز در دانشگاه ایندیانا مشغول فعالیت است. کتاب ستیز و سازش که در سال ۱۹۹۷ از سوی انتشارات دانشگاه کلمبیا منتشر شد، مشهورترین اثر اوست. به جز این کتاب، سایر آثار تحقیقاتی چوکسی عمدتاً در حوزه دین‌شناسی است و به ندرت می‌توان پژوهشی تاریخی در بین نوشته‌های او یافت.^۱ او در کتاب پاک‌ی و ناپاک‌ی در زرتشتی‌گری: پیروزی بر/هریمن^۲ ضمن دوره‌بندی تاریخی زرتشتی‌گری به سه دوره باستان، میانه و جدید، آیین دینی زرتشتیان معاصر (اعم از زرتشتیان ایران) را در بستر تاریخی خودشان بررسی کرده (Choksy, 1989: i-iv) و در مقالات متعددی نیز ابعاد مختلف دین زرتشت را مورد بررسی قرار داده است؛ از جمله

1. Review.

2. درباره فهرست آثار او، نک:

http://indiana.edu/~relstud/people/profiles/choksy_jamsheed.

3. Purity and Pollution in Zoroastrianism; Triumph over Evil.

بررسی اماکن دینی آنها (مانند معابد و قربانگاه‌ها)، نیایش‌ها، متون دینی و ... (Choksy, 2006: 327-346; Idem & Kotwal, 215-252).

ساختار و محتوای کتاب

کتاب ستیز و سازش به بررسی روابط متقابل زرتشتیان و مسلمانان طی هفت سده نخست هجری و بررسی چرایی و چگونگی تبدیل زرتشتیان به طبقه‌ای زیردست و تسلط مسلمانان بر ایران و تشکیل جامعه حاکم متشکل از مهاجران عرب و نومسلمانان ایرانی می‌پردازد (Choksy, 1997: 11).^۱

ستیز و سازش چهار فصل و یک نتیجه‌گیری دارد. فصل‌های این کتاب تقریباً شکل مستقلی از یکدیگر دارد و شبیه به مجموعه مقالاتی است که در یک محور کلی «تقابل و تعامل مسلمانان و زرتشتیان» در کنار هم قرار گرفته است. فصل نخست با عنوان «از جدال تا همزیستی»، دربردارنده موضوع‌هایی چون عوامل مؤثر در غلبه عرب‌ها بر ایرانی‌ها، روند فتوحات عرب در ایران و دسته‌بندی مناسبات زرتشتیان و مسلمانان در سه شکل ستیز، همکاری و همزیستی است. اگرچه نویسنده در ابتدای این فصل «بازسازی قطعی تاریخی از پیروزی‌های عرب‌ها در ایران» را هدف خود نمی‌داند (Ibid, 13)، اما با توجه به محتوای تاریخی آن، رعایت بایسته‌های روش تاریخی در طرح مباحث ضروری می‌نماید؛ موضوعی که البته از سوی نویسنده چندان جدی گرفته نشده است. در فصل دوم با عنوان «نقش ادبیات پیش‌گویانه» موضوع‌هایی با محوریت تأثیر متقابل اندیشه‌های زرتشتی و اسلامی بر یکدیگر درباره پایان دنیا و ارائه پیش‌گویی‌هایی در این باره (Ibid, 49-56)، شباهت‌های میان سیره پیامبر و زرتشت (Ibid, 65) و علت روی آوردن به ادبیات پیش‌گویانه (Ibid, 67-68) مورد بحث قرار گرفته است. این فصل را می‌توان به سبب این نگاه مقایسه‌ای و پرداختن به موضوعی که کمتر بدان توجه شده، بهترین فصل کتاب دانست.

یکی از موضوع‌های مهم در نقد منابع اسلامی، نگارش غیر همزمان این متون با وقایع صدر اسلام (به ویژه نیم‌سده نخست هجری) است که سبب شده تا آنچه در این آثار مطرح می‌شود، در وهله اول بازتابنده جریان‌های فکری نویسنده و زمانه او باشد تا

۱. در ارجاعات مقاله حاضر، هر جا نام چوکسی به صورت لاتین ذکر شد، مقصود متن اصلی کتاب اوست و هر جا نام وی به فارسی آمد، منظور ترجمه فارسی کتاب اوست.

گزارش آنچه واقعا اتفاق افتاده است. تاریخ‌گذاری این منابع مشهور، از قرن دوم هجری به بعد است؛ یعنی دست‌کم ۱۵۰ سال بعد از حوادثی که شرح‌شان در این کتاب‌ها آمده است. این امر سبب شد تا از اواخر قرن نوزدهم، شماری از پژوهشگران غربی، روایت‌های سنتی درباره تاریخ صدر اسلام را به عنوان یک کل به چالش کشیده و آن‌ها را مغرضانه و غیر قابل اعتماد تلقی کنند (Donner, 1994: 9-10). این ناهمزمانی بین زمان وقوع حوادث تاریخی با زمان نگارش متون، درباره آثار زرتشتی نیز صادق است. این امر سبب می‌شد تا نویسندگان این آثار، نوعی رویکرد آخرالزمانی به حوادث گذشته داشته باشند. چوکسی نیز به این نکته توجه دارد و نقش مهمی برای ادبیات پیش‌گویانه در گروه مردم ایران به اسلام قائل است (Choksy, 1997: 65-68)؛ هرچند نسبت به میزان رواج این موضوع در بین توده مردم توجهی ندارد. پیش‌گویی‌هایی که در متون اسلامی و زرتشتی آمده است و به تدریج سبب نزدیکی دو جامعه عرب و ایرانی شد، بیانگر امیدهای جامعه مسلمان و ناامیدی‌های جامعه زرتشتی بود.

فصل سوم با عنوان «شیوه‌های تغییر دین» به بررسی شیوه گروه ایرانیان به دین اسلام می‌پردازد. چوکسی هم‌نظر با افرادی چون ریچارد بولیت^۱ و مورونی^۲، روند گروه ایرانی‌ها به اسلام را امری تدریجی و متفاوت در هر منطقه می‌داند که تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی و دینی، در قالب سه مرحله رخ داد:

۱. قرن اول هجری: دوره فتوحات؛

۲. قرن دوم تا چهارم هجری: مناطق شهری؛

۳. قرن چهارم تا هفتم هجری: مناطق روستایی.

موضوع مورد بحث دیگر در این فصل، تبیین میزان گروه به اسلام نزد ایرانیان از طریق تحلیل و بررسی سرنوشت مؤسسات دینی زرتشتی و میزان رشد ساخت مساجد در ایران است که در ادامه مقاله مورد بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت.

فصل چهارم به بررسی «نوسازی روابط اجتماعی و اقتصادی» زرتشتیان و مسلمانان اختصاص دارد. شیوه‌های مالیات‌گیری، عضویت در جامعه (تبدیل وضعیت از طریق گروه به اسلام و یا از طریق متغیرهایی چون عالم بودن)، قوانین رفتاری (کم‌رنگ شدن تأثیر زرتشتیان بر مسلمانان از حیث تحمیل رسوم اجتماعی در طول زمان)، روابط تجاری

1. Richard Bulliet.

2. Morony.

و قوانین و اعمال فردی و جمعی (منع ازدواج مسلمان با زرتشتی و بالعکس، مسأله ارث، فرزندخواندگی، منع ورود به اماکن مقدس یکدیگر و حتی اماکن عمومی مثل حمام) از بخش‌های این فصل است.

امتیازهای کتاب

چوکسی با توجه به آشنایی با زبان اوستایی، از منابع زرتشتی برای تبیین روابط بین ایرانیان و عرب‌ها استفاده کرده است. این امر به بهترین شکل در فصل دوم کتاب با عنوان «نقش ادبیات پیش‌گویانه» نمود یافته است. نقش ادبیات پیش‌گویانه و آخرالزمانی و بررسی اجمالی شباهت‌های میان سیره پیامبر (ص) و زرتشت و تأثیرپذیری سیره‌نویسان و محدثان دوره اسلامی چون ابن‌اسحاق و ابن‌حنبل از روایت‌های ایرانی (Choksy, 1997: 65) از جمله مواردی است که در همین رابطه مورد بررسی قرار گرفته است. چوکسی درباره احادیث پیش‌گویانه منتسب به پیامبر (ص) به نکته مهمی اشاره دارد که «از نظر مسلمانان مؤمن، موهبت پیشگویی برای پیامبر خدا [امری] ذاتی بوده است، ولو اینکه محمد و خدا در ایجاد و ترویج این روایات در مورد نصرت الهی مستقیماً نقش چندانی نداشته باشند» (Ibid, 53). دسته‌بندی سه‌گانه روابط ایرانی‌ها و عرب‌ها بر پایه تقسیمات جغرافیایی که در سه دسته «هماهنگی نسبی»، «جنگ‌های متناوب» و «ستیز دائمی» ارائه شده است، با وجود برخی ضعف‌ها (نک: ادامه مقاله)، به طور کلی قابل قبول است. چوکسی به مشکلات گزارش‌های تاریخی منابع اسلامی سده‌های نخست آگاه است و به درستی اشاره دارد که فهم آن‌ها وابسته به درک اصول و عقاید راوی و نویسنده آن گزارش‌هاست (Ibid, 6) و آثار تاریخی مسلمانان که عمدتاً از قرن دوم هجری به بعد نوشته شده است، بیشتر بازتابنده واقعیات سیاسی و اجتماعی عصر عباسی است نه عصر پیامبر و خلفا. اما این موضوع در کتاب ستیز و سازش در حد یک نظریه باقی مانده است و نویسنده تقریباً در هیچ جای کتاب خود، چنین موضع انتقادی نسبت به روایت‌های منابع اسلامی ندارد و بالعکس، گاه بدون دلیل مشخصی، یک روایت را بر روایت‌های مشابه دیگر ترجیح داده است (نک: ادامه مقاله).

ترجمه فارسی کتاب

نادر میرسعیدی (د. ۱۳۹۶ش) مترجم کتاب *ستیز و سازش*، شاعر و پژوهشگر تاریخ ایران باستان، کتاب‌هایی را در این زمینه تألیف و ترجمه کرده است. در میان این آثار، به جز کتاب *ستیز و سازش*، اثری مربوط به دوره اسلامی به چشم نمی‌خورد. در مجموع، ترجمه او را از این کتاب می‌توان قابل قبول ارزیابی کرد؛ هر چند کاستی‌هایی بدان راه یافته است. عنوان اصلی کتاب چوکسی *Conflict and Cooperation; Zoroastrian subalterns and Muslim Elites in Medieval Iranian Society* است که در فارسی به *ستیز و سازش؛ زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی* ترجمه شده است. مترجم عبارت *Medieval Iranian Society* را به «جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی» ترجمه کرده که با محتوای کتاب همخوانی بیشتری دارد؛ زیرا چوکسی روابط متقابل ایرانی‌ها و عرب‌ها را از ابتدای دوره اسلامی تا زمان مهاجرت زرتشتی‌ها به هند مورد بررسی قرار داده است؛ اما ترجمه *Muslim Elites* به «مسلمانان غالب» چندان دقیق نیست؛ زیرا از ترکیب وصفی عبارت انگلیسی و نیز محتوای کتاب، می‌توان چنین فهمید که مقصود چوکسی، طبقه نخبه مسلمان است که به طور عمده حاکمان را در بر می‌گیرد.

مترجم در برخی موارد، در انتخاب واژه مناسب فارسی دچار لغزش‌هایی شده است. برای مثال، به هنگام بحث درباره کارهای تحقیقاتی پیشین مرتبط با موضوع کتاب، عنوان *Recent Scholarship* (Choksy, 1997: 9)^۱ به «دانش جدید» ترجمه شده است (چوکسی، ۲۰) که بهتر بود از اصطلاح مرسوم «تحقیقات جدید» یا «پیشینه تحقیق» استفاده می‌شد. همچنین در بیشتر ارجاع‌های کتاب، به جای واژه «جلد»، از واژه نامأنوس «حلقه» استفاده شده است (برای نمونه، نک. همان، ۱۹۱، پانویس ۶۹). معادل‌گزینی برخی واژه‌ها نیز بدون توجه به بافت تاریخی آن کلمات صورت پذیرفته است؛ برای مثال، ترجمه *Legal expert* (Choksy, 1997: 114) به «فقیه»، مناسب‌تر از ترجمه آن به «کارشناس حقوقی» (چوکسی، ۱۴۱) است؛ چرا که کاربرد معادل اخیر مربوط به دوران معاصر است و با بافت تاریخی متن سازگاری ندارد؛ به مانند ترجمه *Syria* به «سوریه» (همان، ۷۸) که معادل امروزی آن است و در متن تاریخی می‌بایست به «شام» ترجمه

۱. در ارجاع‌های مقاله حاضر، هرگاه نام چوکسی به صورت فارسی آمده، مقصود ترجمه فارسی کتاب است و هرگاه نام او به انگلیسی نوشته شده، ارجاع به متن اصلی کتاب مدنظر است.

شود. «صیغه» (همان، ۴۰) نیز معادل مناسبی برای Concubine (Choksy, 1997: 27) نیست؛ زیرا در متن، این واژه برای زنان غیر مسلمان به کار رفته، در حالی که «صیغه» صرفاً در مورد زنان مسلمان (و به طور خاص شیعه) کاربرد دارد و بنابراین، ترجمه آن به «کنیز» دقیق‌تر است. مترجم، واژه bibliophile (Idem, 31) را در مورد ابن ندیم به «گردآورنده کتاب» ترجمه کرده است (چوکسی، ۶۶)؛ حال آنکه به نظر می‌رسد «فهرست-نویس» معادل مناسب‌تری برای آن باشد. واژه Companion نیز که معادل «صحابی» [پیامبر] است از سوی مترجم به «همراه» ترجمه شده است (Choksy, 1997: 70)؛ چوکسی، ۹۰). این معادل‌گزینی نادرست گاه سبب دشواری فهم متن شده است؛ برای مثال، در جمله «هر دو جامعه در دشمنی با ترکان ... علت مشترک یافتند» (همان، ۴۸)، واژه «علت» ترجمه Cause است (Ibid, 33)؛ در حالی که طبق سیاق جمله، ترجمه آن به «انگیزه» دقیق‌تر به نظر می‌رسد. مترجم در ارتباط با نام برخی شهرها و شخصیت‌ها، بدون ضرورت مشخصی ابتدا صورت تلفظ شده آن‌ها در زبان انگلیسی را آورده و سپس شکل نگارش و قرائت آن در زبان فارسی یا عربی را می‌آورد؛ مانند ری (راگا، راگس) (چوکسی، ۳۳)، نی‌سی بیس (نصیبین) (همان، ۹۱)، روزوه (روزبه) و وزرگمهر (بزرگمهر) (همان، ۹۳)؛ در حالی که ذکر صورت دوم کلمات کفایت می‌کرد.

یکی از ایرادهایی که رفع آن می‌تواند ارتباط خواننده با متن کتاب را بیشتر کند، انتقال یادداشت‌ها و ارجاع‌ها از انتهای کتاب به پاورقی‌هاست. این ایراد در متن اصلی کتاب نیز وجود دارد که با توجه به ضرورت مطالعه این یادداشت‌ها، اصلاح آن ضروری به نظر می‌رسد.

تحلیل محتوایی اثر

۱. ضعف بینش و اطلاعات تاریخی نویسنده

ضعف مشهود اطلاعات و بینش تاریخی چوکسی در مواضع مختلف کتاب ستیز و سازش، گاه سبب بروز اشتباهات فاحشی شده است؛ مانند معرفی ابوموسی اشعری به عنوان نماینده علی بن ابی‌طالب در فتوحات سال ۲۴هـ.ق (Ibid, 82). نویسنده در مقدمه کتاب بر این باور است که «ستیز و سازش سیاسی، مذهبی و اجتماعی بین مسلمانان و

۱. چوکسی در همین جا به شیعه بودن ابن‌ندیم نیز اشاره کرده، اما در این باره اختلاف نظر وجود دارد.

ایرانیان زرتشتی بیانگر آن است که چرا کسانی که اسلام نیاوردند، به واسطه قدرت، اعتقادات و تشکیلات نیروی حاکمان جدید کنار گذاشته شدند» (Ibid, 6). چنین مدعایی بر پایه این پیش‌فرض است که هدف عرب‌های مهاجم از فتح ایران، مسلمان کردن مردم این ناحیه بود و از این رو، هر کس را که پذیرای دین جدید نمی‌شد کنار می‌زدند. این در حالی است که به نظر می‌رسد مسأله دین در کانون توجه ایرانیان و عرب‌ها طی سال‌های بعد از فتوحات نبود. در شمار عمده‌ای از فتح‌نامه‌های مناطق مختلف ایران، حق برقرار ماندن آتشکده‌ها برای زرتشتیان محفوظ مانده و در بسیاری از موارد، بومیان ایران در قبال پرداخت جزیه، دین خود را حفظ کردند. برخلاف سخن چوکسی که منع نشدن از مراسم دینی یکی از شروط اصلی ایرانیان در مصالحه با عرب‌ها بوده است (Ibid, 45)، وجه المصلحه غالب این صلح‌نامه‌ها، شروط اقتصادی و نه دینی ایرانیان است (معصومی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۹)؛ یعنی همان‌گونه که حفظ دین اجدادی در اولویت خواسته‌های ایرانی‌ها قرار نداشت، موافقت عرب‌ها با شروط اقتصادی مردم ایران و اخذ جزیه از ایشان، نشان از آن دارد که مسلمان کردن ایرانی‌ها در زمره سیاست‌های اصلی عرب‌ها نبود، یا دست‌کم در مورد همه مناطق ایران صدق نمی‌کرد.

نکته قابل توجهی که از دید چوکسی پنهان مانده، نقش عامل انسانی در گروش مردم ایران به اسلام است. فرماندهان متعددی که در بین سپاه عرب در فتح ایران نقش داشتند، بیش از آن که مطیع سیاست‌های حکومتی باشند، بر اساس شیوه و منش خود عمل می‌کردند؛ از این رو، در برخی مناطق، مانند آن چه قتیبه بن مسلم در بخارا انجام داد، موضوع گروش به اسلام با جدیت پی گرفته شد و رفتارهای خشونت‌آمیزی نیز رخ داد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۰۶؛ Choksy, 1997: 29)؛ و گاه در برخی مناطق نیز مصالحه با بومیان ایران از طریق پرداخت جزیه و... در مدنظر قرار گرفت (Idem, 28). چوکسی به این تفاوت‌ها اذعان دارد؛ ولی آن‌ها را بر اساس نواحی جغرافیایی مختلف ایران دسته‌بندی می‌کند؛ حال آنکه این تقسیم‌بندی چندان دقیق نیست و در تبیین تفاوت کیفیت فتح نواحی مختلف ایران، می‌بایست بر رفتار فرماندهان عرب تأکید کرد. گروه‌های مختلفی در ایران با مهاجمان عرب روبه‌رو بودند که هر کدام واکنش متفاوتی به این هجوم داشتند و سخت بتوان آن‌گونه که چوکسی معتقد است، این تفاوت بر خورد را صرفاً بر اساس منطقه جغرافیایی تبیین کرد؛ هرچند باید به تفاوت‌های موجود در بین زرتشتی‌گری در نواحی مختلف ایران توجه داشت. واکنش هر کدام از گروه‌ها یعنی خاندان شاهی،

مرزبانان، روحانیون، سپاهیان، دبیران و دهقانان نیز در مواجهه با هجوم عرب‌ها به ایران متفاوت بود. برای مثال، شماری از سپاهیان ایرانی موسوم به اساوره، ضمن پذیرش اسلام، ملزم به همراهی سپاه عرب در فتح ایران شدند و مقرری بیشتری هم برای ایشان در قیاس با سپاهیان عرب وضع شد (طبری، ۱۳۸۷: ۹۰/۴؛ برای تفصیل بیشتر در این باره نک: Athamina, 1998: 349-351). دهقانان ایرانی هم به دلیل آگاهی از وضع کشاورزی و میزان مالیات بر محصول، قادر به تعیین و اخذ مالیات بودند و از این رو مورد احترام مسلمانان عرب قرار داشتند (یعقوبی، بی تا: ۱۵۳/۲؛ برای آگاهی بیشتر نک: امیری، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳).

چوکسی درباره شیوه‌های تغییر دین ایرانی‌ها دو نظریه را مطرح کرده است:
الف) مسلمانان تحت تأثیر شور مذهبی، زرتشتیان را وادار به تغییر دین در قبال حفظ جان‌شان کردند.

ب) دین زرتشتی دین شاهانه بود و مقبولیتی اندک نزد مردم داشت و انگیزه‌هایی چون معافیت از مالیات، حفظ ثروت و رفع محدودیت‌های اجتماعی باعث گروش ایرانی‌ها به اسلام شد (Choksy, 1997: 70).

این نظریه‌ها هر دو قابل نقد است. در مورد نظریه اول، به هیچ عنوان گزارش‌های معتناهی درباره چنین رویکردی از سوی حاکمان مسلمان وجود ندارد، جز مواردی انگشت‌شمار که ناشی از انگیزه‌های شخصی فرماندهان بود، نه سیاست کلی حکومت اسلامی؛ مانند قتیبه بن مسلم باهلی فاتح ماوراءالنهر که نسبت به گروش مردم بخارا به دین اسلام بسیار سخت‌گیر بود و با هر کسی که از این دستور سر باز می‌زد، شدیداً برخورد می‌کرد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۰۶؛ نرشخی، ۶۰-۶۶). این سیاست‌های متفاوت از سوی فرماندهان عرب، نشان از نقش پررنگ عامل انسانی در گروش به اسلام از سوی ایرانی‌ها دارد؛ موضوعی که چوکسی بدان بی توجه است. نظریه دوم نیز با شواهد بر جای مانده ناسازگار است. دین زرتشتی فراتر از یک دین دولتی بود و با حمایت شاهان در میان همه طبقات اجتماعی و در تمام نواحی گسترش یافته بود (Choksy, 1997: 4). مانایی این دین برای بیش از چهار قرن و گروش تدریجی مردم ایران به دین اسلام نشان می‌دهد که زرتشتی‌گری، صرفاً دینی شاهانه نبود. چوکسی علت تأخیر گسترش اسلام را در سرزمینی همچون فارس، قوی بودن پایه‌های دین زرتشتی در این منطقه می‌داند (Idem, 81-82)؛ اما چنین موضوعی را در مورد آذربایجان به عنوان یکی دیگر از مراکز

اصلی زرتشتی‌گری که آتشکده معروف آذر گشنسب در آنجا قرار داشت، مطرح نمی‌کند. ورود اسلام به فارس اگرچه با تأخیر صورت گرفت، اما شکل مداومی داشت که شاید بخشی از آن به دلیل ویژگی‌های اخلاقی مردم آنجا باشد. مقدسی در قرن چهارم هجری، مردم فارس را در پیروی از سلطان سر به زیر ترین و در برابر ستم شکنی‌اترین مردم معرفی می‌کند که سنگین‌ترین خراج‌ها را نیز می‌پردازند (مقدسی، بی‌تا: ۴۴۸).

چوکسی درباره روند تاریخی دریافت جزیه اشتباهاتی مرتکب شده است؛ برای مثال، ایرانیان را نخستین گروهی دانسته که از آنها جزیه گرفته شد (Choksy, 1997: 112)؛ در حالی که جزیه اولین بار بر مسیحیان نجران وضع شد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۷۵). همچنین سخن او مبنی بر اینکه جزیه تنها از دوره عباسیان تبدیل به مالیاتی مشخص برای غیر مسلمانان شد (Choksy, 1997: 112) نادرست است؛ زیرا این مفهوم از جزیه از همان دوره پیامبر (ص) وجود داشت (نک: بلاذری، ۱۹۸۸: ۶۷؛ ذیلابی، ۱۳۹۳: ۱۰/ذیل جزیه). همچنین این ادعا که در دوره خلفای راشدین و بنی‌امیه صرفاً دسته‌ای از مسلمانان غیر عربی از جزیه معاف می‌شدند که در زمره کارگزاران و نظامیان عالی‌رتبه بودند، قابل پذیرش نیست؛ چرا که اعتراض‌های صورت گرفته به حجاج بن یوسف مبنی بر اینکه چرا بر خلاف سنت خلفای پیشین، از نو مسلمانان جزیه می‌گیرد، نشان می‌دهد که تا پیش از دوره حجاج از زرتشتیان مسلمان‌شده جزیه گرفته نمی‌شد (همانجا). یحیی بن آدم (د. ۲۰۳هـ.ق) نیز بدون قید و شرطی، معافیت اهل ذمه از جزیه را صرفاً منوط به مسلمان شدن ایشان دانسته است (یحیی بن آدم، ۱۹۸۷: ۶۲). این موضوع نشان می‌دهد که ادعای مذکور چوکسی با شواهد تاریخی دوره مورد نظر سازگاری ندارد و دست‌کم مربوط به قرن سوم هجری به بعد است. دیدگاه چوکسی درباره نقش ناچیز جزیه در اسلام‌پذیری مردم ایران، با وجود تأثیرگذاری در روابط اجتماعی و اقتصادی دو جانبه عرب‌ها و ایرانیان نیز موضوعی قابل تأمل و نیازمند بررسی مستقل است.

۱-۱. رعایت نکردن ترتیب تاریخی فتوح

در پژوهشی تاریخی، ضروری است که نویسنده علاوه بر آگاهی‌های تاریخی و آشنایی با منابع، ذهن تاریخی نیز داشته باشد و موضوع‌های مورد بحث خود را به صورت زمان‌مند مطرح کند. بیان ترتیب فتوحات عرب در ایران در کتاب ستیز و سازش بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیایی مناطق ایران (غرب، مرکز، شمال و شرق) سبب برهم خوردن ترتیب تاریخی فتوح شده است. برای مثال، فتح گرگان و ماوراءالنهر در نیمه دوم سده

نخست هجری، پیش از فتح خراسان آمده است که در دهه سوم این سده رخ داد (Choksy, 1997: 23-30). با توجه به نزدیکی این مناطق به یکدیگر، رعایت ترتیب تاریخی فتح این دو منطقه می‌تواند حاوی نکاتی قابل تأمل باشد؛ به ویژه که عبیدالله بن زیاد به عنوان فاتح ماوراءالنهر، فرمانده خراسان نیز بود. به نظر می‌رسد که چینش مطالب تاریخی فتوح ایران در کتاب ستیز و سازش بر مبنای پیش‌فرض‌های مؤلف صورت گرفته و در این باره به نواحی‌ای که مقاومت بیش‌تری در مقابل سپاه عرب‌ها کردند توجه بیش‌تری شده است.

۲-۱. تحلیل‌های مغایر با داده‌های تاریخی موجود

برخی از تحلیل‌های چوکسی با اطلاعات تاریخی موجود در سایر منابع سازگاری ندارد. برای مثال، او هجوم قوم عرب به ایران را از عوامل توقف در نگارش تاریخ در سنت ایرانی و عربی می‌داند (Ibid, 7)؛ در حالی که درباره سنت تاریخ‌نگاری ایرانی قبل از هجوم عرب‌ها چیزی در دست نیست و سنت تاریخ‌نگاری عربی هم در ابتدا منبعت از تفکر و شیوه شفاهی بود و تا قرن دوم هجری، منابع مکتوب محل توجه اصلی محدثان به عنوان نخستین گروه در میان مورخان نبود (نک: شولر، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۹). چوکسی روایت‌های مربوط به اخذ خفت‌آمیز جزیه از اهل ذمه را مربوط به قرن ششم هجری به بعد دانسته و در این باره به سخن زمخشری و ابن فوطی استناد می‌کند (Choksy, 1997: 110-111). اما حکم جزیه و صورت خفت‌آمیز بودن آن در قرآن آمده است^۱ و حرف چوکسی بدان معناست که تا قرن ششم هجری به شیوه‌ای غیر از آنچه قرآن گفته جزیه گرفته می‌شد؛ ادعایی که شاهی برای آن وجود ندارد.

۲. ضعف روش‌شناسی

یکی از نقاط ضعف اصلی کتاب ستیز و سازش، نادرستی برخی از روش‌های به کار گرفته شده از سوی مؤلف برای تبیین دیدگاه‌های خود است. چوکسی تلاش دارد تا حضور مسلمانان در ایران را از طریق سفال‌های ساخته‌شده در نواحی مختلف ایران طی دوره اسلامی تاریخ‌گذاری کند (Ibid, 38). این شیوه تاریخ‌گذاری از سوی چوکسی در صورتی پذیرفتنی خواهد بود که آن سفال‌ها دارای نوشته عربی باشد (Morony, 1999: ۲۹).

۱. «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه / ۲۹).

424) و یا بتوان از طریق روش‌های علم باستان‌شناسی، زمان ساخت آنها را تاریخ‌گذاری کرد؛ در غیر این صورت دلیلی بر ساخت آن از سوی مسلمانان نیست. همچنین رشد ساخت مساجد در شهرها و تغییر کاربری نهادهای دینی زرتشتی همچون آتشکده‌ها و گورستان‌ها به مساجد به عنوان متغیری دیگر برای سنجش میزان گروش مردم به اسلام در نظر گرفته شده و بر این اساس، گروش گسترده ایرانی‌ها به اسلام در مناطق شهری از قرن دوم هجری به بعد تاریخ‌گذاری شده است (Choksy, 1997: 93-106)؛ در حالی که تقریباً هیچ شاهد باستان‌شناسی از مساجد ایران در دهه‌های نخستین اسلامی در دست نیست (نک: Daryae, 2000: 159). برخلاف سخن نویسنده که «چارچوب زمانی برای ساخت مسجد جامع، گواهی بر رابطه مستقیم میزان گرویدن به اسلام است» (Choksy, 1997: 96)، بنای مسجد یکی از اقدامات اولیه فاتحان مسلمان بعد از استیلای هر منطقه و پیش از گروش عموم مردم آنجا به اسلام بود (بلاذری، ۱۹۸۸: ۱۳۵، ۱۶۵) و بنابراین، شمار مساجد بنا شده لزوماً نمی‌تواند بیانگر تاریخ گسترش اسلام در بین اقشار مردم باشد. اتکای چوکسی به منابع مشهور تاریخ صدر اسلام به ویژه تاریخ طبری و فتوح البلدان بلاذری، سبب پنهان ماندن برخی گزارش‌ها از دید او شده است. برای مثال، گزارشی در *الاعلاق النفسیه* ابن‌رسته درباره ساخت مسجدی در اصفهان به دستور ابوموسی اشعری نقل شده (ابن‌رسته، ۱۸۹۲: ۲۳۳) که با توجه به تلاش چوکسی درباره تاریخ‌گذاری اسلام‌پذیری ایرانیان بر اساس تاریخ ساخت مساجد، گزارش مهمی محسوب می‌شود.

۳. گرایش‌های زرتشتی نویسنده

همدلی چوکسی با دین زرتشت، در مواضع مختلف کتاب او مشهود است. او ضمن بحث درباره بابک خرمدین و سنباد، که هر دو شخصیت‌های غیر موجهی نزد زرتشتیان‌اند، به مانند منابع اسلامی از آنها با صفت «بدعت‌گذار» (*heretic*) یاد می‌کند (Choksy, 1997: 36, 45). در تبیین علت پیشروی قوم عرب در ایران نیز تنها به آمادگی نظامی عرب‌ها اشاره شده (Ibid, 1) و بررسی اوضاع نابسامان ایران در آن دوره و موضوع‌هایی همچون فساد دستگاه دینی زرتشتی و غلبه موبدان بر همه امور زندگی مردم مغفول مانده است. در این باره می‌توان از نقش سیاسی موبدان در اموری چون انتخاب یا تأیید شاه، واسطه شاه و رعیت بودن، ندیم، مشاور و معتمد شاه بودن یاد کرد (خسروی و معصومی، ۱۳۹۳: ۱۸۳، ۲۱۲-۲۰۴). درباره اشاره نکردن چوکسی به همکاری برخی گروه‌های ایرانی با سپاهیان

عرب در جریان فتح ایران می‌تواند دو احتمال را در نظر گرفت: اول، همدلی با زرتشتیان و دوم، بررسی نکردن دقیق گزارش‌های فتوح. همکاری ایرانی‌ها با عرب‌ها به شکل‌های مختلفی بروز می‌یافت که از جمله می‌توان به مترجمانی اشاره کرد که پل ارتباطی میان این دو گروه بودند (دهقان‌پور و معصومی، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۳؛ آذرنوش، ۱۳۹۱: ۱۵).

چوکسی در برخی موارد، تمایزی بین دو مفهوم «زرتشتی» و «ایرانی» قائل نیست و وقتی ستیز و تقابل بین ایرانیان و عرب‌ها را در نظر دارد، از واژه «زرتشتی» استفاده کرده و هر جا بحث درباره سازش و همراهی میان این دو گروه است، واژه «ایرانی» را به کار می‌برد (Choksy, 1997: 37-38). این امر در نتیجه‌گیری کتاب نیز مشهود است؛ به گونه‌ای که چوکسی معتقد است «ایرانیان» سرانجام سیاست سازش با عرب‌ها را در پیش گرفتند، اما «زرتشتیان» شروع به مهاجرت به غرب هندوستان کردند (Ibid, 143). بنابراین چنین به نظر می‌رسد که چوکسی، ستیز و سازش ایرانی‌ها با عرب‌های مهاجم را در دو گروه دسته‌بندی می‌کند: اول، ایرانی‌هایی که در نهایت سازش کردند و اسلام را پذیرفتند؛ دوم، زرتشتی‌هایی که مقاومت کرده و به صورت اقلیتی محدود به حیات خود ادامه دادند.

۴. ارزیابی منابع

۴-۱. استفاده از ترجمه منابع اصلی عربی

چوکسی در بیشتر ارجاعاتش به منابع اصلی عربی همچون *تاریخ الرسل و الملوک طبری*، *فتوح البلدان بلاذری*، *الموطأ مالک بن انس*، *حدود العالم*، *سیره ابن هشام*، *فارسنامه بلخی* و *الخراج قاضی ابویوسف*، از ترجمه انگلیسی و نه متن عربی آن‌ها بهره برده است. بدیهی است ترجمه هر اثر، با هر درجه‌ای از بلاغت، باز هم نمی‌تواند بازتابنده سبک و مضمون متن اصلی باشد و ممکن است دچار کج‌فهمی و بی‌دقتی‌هایی گردد. با توجه به قابل دسترس بودن آثار مذکور، به نظر می‌رسد استفاده چوکسی از ترجمه انگلیسی آن‌ها، به دلیل تسلط نداشتن او به زبان عربی، یا ارجاع به این منابع از طریق تحقیقات دیگر است. با توجه به اینکه چوکسی حتی در مورد قرآن نیز از ترجمه انگلیسی آن استفاده کرده (Ibid, 172)، احتمال نخست محتمل‌تر است.

۴-۲. گزارش‌های بدون منبع

برخی از گزارش‌های تاریخی نقل شده در کتاب ستیز و سازش، فاقد منبع مشخصی است. برای نمونه می‌توان به گزارش تملک زنان ایرانی از سوی مردان عرب و معاف شدن

زرتشتیان مرو از سوی بهرام‌سیس مرزبان این منطقه اشاره کرد (Ibid, 16, 118). برخی از داده‌های تاریخی چوکسی نیز در منابعی که برای آن‌ها آورده است وجود ندارد. برای مثال، گزارشی از تاریخ طبری درباره گفتگو میان ایرانیان و عرب‌ها در خلال نبرد نهندون نقل شده که در متن اصلی کتاب طبری نیست (Ibid, 19). در ابتدای مقدمه کتاب نیز جمله‌ای از کتاب *منتخب التواریخ* عبدالقادر بداؤنی (د. ۱۰۲۴هـ.ق) نقل شده (Ibid, 1) که در متن کتاب مذکور وجود ندارد. چوکسی در برخی موارد نیز با وجود نقل قول مستقیم، تنها به نام نویسنده اشاره کرده و ارجاع کاملی در این باره ارائه نداده است (Ibid, 69, 111)؛ گاه نیز بدون ارجاع به منبع مشخصی، در نقل یک مطلب از عبارتهای کلی و مبهمی همچون «به نوشته یک منبع مسیحی ...» (Ibid, 15)، «وقایع‌نامه‌های نخستین اسلامی نقل کرده‌اند که ...» (Ibid, 38)، «در منابع اسلامی آمده است که ...» (Ibid, 50) و «بنا بر منابع مکتوب ...» (Ibid, 146) استفاده کرده است.

۳-۴. آشنا نبودن با ویژگی‌های منابع اسلامی

چوکسی با وجود تأکید درباره غیر قابل اطمینان بودن اطلاعات منابع اسلامی درباره فتوح (Ibid, 6)، انتقاد چندانی به این روایت‌ها وارد نمی‌کند. *تاریخ طبری و فتوح البلدان* بلاذری دو منبع اصلی نویسنده در نقل روایت‌های فتوح است. اما نکته‌ای که از دید مؤلف پنهان مانده و ناآشنایی او را با تاریخ‌نگاری سده‌های نخست هجری نشان می‌دهد، تلقی گزارش‌های این کتاب‌ها به اعتبار راویان آن است؛ بدین معنی که هر روایت از یک راوی جداگانه نقل می‌شود و در ارزیابی هر روایت، باید راوی و نه مدون این روایت‌ها را در نظر داشت. برای مثال، مدائنی راوی اصلی طبری در گزارش فتح خراسان (طبری، ۱۳۸۷: ۲۸۶/۴؛ قنوت، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۳۱) و سیف بن عمر یکی از راویان اصلی او درباره فتح دیگر مناطق ایران است (طبری، ۱۳۸۷: ۶۳/۳). ناآشنایی چوکسی با منابع اسلامی سبب شده است تا گاه گزارشی را به صورت دلخواه از منابع تاریخی انتخاب کند و آن را به گزارش‌های متفاوتی که در همان موضوع و در همان کتاب آمده ترجیح دهد. نمونه‌ای از این موضوع در نقل گزارشی درباره فتح نواحی ایران دیده می‌شود؛ جایی که هرمزد درباره ترتیب فتح نواحی مختلف ایران، به عمر بن خطاب توصیه می‌کند «اصفهان سر است و آذربایجان پهلو. سر را قطع کن، پهلو نیز همراه آن خواهد افتاد» (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۹۶؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱۴۲/۴؛ ۱۹: Choksy, 1997). اما طبری پیش از نقل این روایت، آن را به گونه‌ای دیگر نیز آورده است: «هرمزد در پاسخ به عمر گفت: امروز

فارس رأس است. ابتدا سر و سپس دو بال ایران را قطع کنید» (طبری، ۱۳۸۷: ۱۱۷/۴-۱۱۸). در این روایت، شهرهایی که در حکم دو بال ایران است ذکر نشده، اما نادیده گرفتن آن از سوی چوکسی با وجود تفاوتش با روایت اول، نشان از کم‌دقتی او در این باره دارد.

۴-۴. ضعف نویسنده در استفاده از منابع

ضعف نگاه تاریخی و احتمالاً نا‌آشنایی چوکسی با منابع اسلامی سبب شده تا کمبودهایی در منابع مورد استفاده او دیده شود. در کتاب *ستیز و سازش* جز استنادهای معدود به *تاریخ بخارا* نرشخی، توجه چندانی به تاریخ‌های محلی به عنوان منابع فتوح نشده است. این بی‌توجهی، به طور خاص نسبت به دسته‌ای از تاریخ‌های محلی که به صورت زندگینامه‌ای تدوین شده (همچون *ذکر اخبار اصبهان* ابونعیم) و نیز کتاب‌های طبقات و رجال دیده می‌شود. حدود ۵۰ کتاب در قالب تاریخ‌های محلی زندگینامه‌ای نوشته شده است که دست‌کم نیمی از آنها باقی مانده است (قنوات، ۱۳۹۳: ۲۱۲-۳۱۶). این دسته از آثار، با توجه به بحث چوکسی پیرامون عضویت زرتشتی‌ها در جامعه مسلمان‌شده ایران و در نظر گرفتن مسأله علم به عنوان یکی از عوامل مهم در مشارکت زرتشتی‌ها در جامعه اسلامی (Choksy, 1997: 120-122)، می‌تواند کمک مهمی در تثبیت یا رد این ادعا باشد. چوکسی در روایت فتح اسلامی ایران، به شماری از کتاب‌های فتوح همچون *الخراج* ابویوسف و *الاموال* ابو عبید که آن‌ها را می‌توان فتوح‌نگاری فقهی - حدیثی دانست (عزیزی، ۱۳۹۱: ۹۶) استناد نمی‌کند. البته از اطلاعات این دسته از آثار درباره موضوع‌هایی چون جزیه بهره برده شده، اما اهمیت گزارش‌های تاریخی این آثار، محل توجه چوکسی نیست.^۱ در میان منابع زرتشتی نیز، کتاب *زرتشت‌نامه* اثر زرتشت بهرام‌پژدو، از شاعران زرتشتی قرن هفتم هجری مورد استفاده نویسنده قرار نگرفته است. با توجه به شباهت برخی مفاهیم این کتاب با *شاهنامه* فردوسی و استنادهایی که چوکسی در بخش دوم کتابش با عنوان «نقش ادبیات پیشگویانه» به آن دارد، استفاده از اثر مذکور می‌توانست در تبیین کامل‌تر نگاه زرتشتی به مفاهیم مطرح شده درباره شباهت‌های زرتشت و محمد مؤثر باشد. درباره تحقیقات جدید نیز اگر چه چوکسی از کتاب ارزشمند آلبرشت نوث^۲

۱. برای مثال، *الاموال* قاسم بن سلام دربردارنده حدود ۵۰ روایت درباره فتح ایران است (برای مثال، نک: ابن‌سَلَام، ۱۰۶، ۱۷۵، ۲۸۶). برای اطلاعات بیشتر در این باره، نک: عزیزی، ۱۲۸-۱۲۹.

۲. Albrecht Noth.

و لورنس کنراد^۱ درباره تاریخ‌نگاری اسلامی بهره برده است؛ اما توجه کافی به بخش فتوح‌نگاری آن ندارد، به ویژه شواهد سکه‌شناسی درباره فتوح اسلامی ایران که تصویر دقیق‌تری از آن ارائه می‌دهد (Noth, 1994: 31-33).

نتیجه‌گیری

کتاب ستیز و سازش جمشید گرشاسب چوکسی از معدود آثار روش‌مند و آکادمیک در مطالعات حوزه اسلام و ایران است. مواردی چون آشنایی نویسنده با منابع زرتشتی و پیشگامی او در بهره‌گیری از آنها در حوزه مطالعاتی مذکور، تبیین ستیز و سازش بین زرتشتی‌های ایران با عرب‌های مهاجم در قالب سه مرحله ستیز (سیاسی)، سازش (دینی) و همکاری (اجتماعی - اقتصادی) و بررسی تأثیر متقابل اندیشه‌های زرتشتی و اسلامی بر یکدیگر (مثلاً شباهت‌های سیره زرتشت و پیامبر) از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب است. چوکسی در وهله اول دین‌پژوه است نه مورخ، از این رو تسلط چندانی بر بایسته‌های یک پژوهش تاریخی ندارد و ضعف‌های روشی و محتوایی متعددی به کتاب او راه یافته است. به نظر می‌رسد که آشنایی اندک چوکسی با زبان عربی و منابع اسلامی سبب شده تا او عمدتاً از ترجمه‌های غربی این منابع بهره‌برد و این امر گاه سبب کج‌فهمی مطالب شده است. رعایت نکردن ترتیب زمانی در گزارش فتح ایران، تحلیل‌های مغایر با داده‌های تاریخی، ضعف روش‌شناسی در تبیین اسلام‌پذیری ایرانیان، گزارش‌های بدون منبع، اتکا به چند منبع مشهور تاریخی و نادیده گرفتن شماری از منابع (همچون تاریخ‌های محلی زندگینامه‌ای) از جمله کاستی‌های این اثر است. ناتوانی نویسنده در اتخاذ رویکرد تاریخی، سبب تأثیرگذاری گرایش‌های زرتشتی او در محتوای کتاب نیز شده است؛ برای مثال، هر گاه ستیز و تقابل بین ایرانیان و عرب‌ها مورد نظر نویسنده بوده، از واژه «زرتشتی» استفاده شده و هر جا بحث درباره سازش و همراهی است، واژه «ایرانی» به کار رفته است. استناد به این کتاب در پژوهش‌های تاریخی، منوط به در نظر داشتن غلبه رویکرد دینی چوکسی نسبت به رویکرد تاریخی و نا آشنایی او با اصول پژوهش تاریخی است.

1. Lawrence Conrad.

فهرست منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱). *چالش میان فارسی و عربی سده‌های نخست، تهران: نی.*
- ابن‌رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲). *الأعلاق النفیسه، بیروت: دار الصادر.*
- ابن‌سلام، قاسم (۱۴۰۸). *الاموال، به کوشش محمد خلیل هراس، بیروت: دار الفکر.*
- امیری، شهرام (۱۳۸۷). «دهقانان و فتوح اسلامی»، *دوفصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۷، بهار و تابستان.*
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸). *فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال.*
- بولیت، ریچارد (۱۳۶۴). *گروش به اسلام در قرون میانه؛ پژوهشی نوین در تاریخ اجتماعی اسلام، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: تاریخ ایران.*
- چوکسی، جمشید گرشاسب (۱۳۹۱). *ستیز و سازش؛ زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی، تهران: ققنوس.*
- خسروی، لیا؛ معصومی، محسن (۱۳۹۳). «جایگاه دینی، علمی و اجتماعی - سیاسی موبدان در سده‌های نخستین ورود اسلام به ایران»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ش ۲۳.*
- خسروی، محمدرضا؛ بیات، علی (۱۳۸۷). «مواجهه جامعه ایرانی در برابر سلطه اعراب مسلمان در سده‌های اول و دوم هجری»، *فصلنامه فرهنگ، ش ۶۷.*
- _____ (۱۳۸۹). «نقش خاندان برجسته ایرانی در فرآیند تعامل دو فرهنگ ایرانی - اسلامی تا سده چهارم هجری»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ش ۱.*
- دهقان‌پور، زهره؛ معصومی، محسن (۱۳۹۱). «نقش ایرانیان در فتح ایران به دست اعراب از آغاز تا پایان سده نخست هجری (گروه‌ها، انگیزه‌ها و انواع همکاری)»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۳.*
- ذیلابی، نگار (۱۳۹۰). «جزیه (بخش تاریخی)»، *دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.*
- شولر، گریگور (۱۳۹۳). *شفاهمی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی، ترجمه نصرت نیل‌ساز، تهران: حکمت.*
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.*
- عزیز، حسین (۱۳۹۱). *نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.*
- فرای، ریچارد (۱۳۸۷). *عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.*

- فروغی ابری، اصغر (۱۳۸۳). «تعامل طبقات اجتماعی ایران عهد ساسانی با اعراب مسلمان در فتح ایران»، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۲.
 - قنوت، عبدالرحیم (۱۳۹۳). *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - _____ (۱۳۹۴). «فتوح خراسان مدائنی کتابی کهن در تاریخ خراسان»، فصلنامه تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، ش ۱۹.
 - کجباف، علی‌اکبر؛ منصوریان، مجتبی (۱۳۹۴). «تعامل روحانیون زرتشتی با اعراب مسلمان (از حمله اعراب تا حکومت امویان)»، فصلنامه رهیافت تاریخی، ش ۱۳.
 - معصومی، محسن؛ بیاتلو، حسین؛ نورمحمدزاده، محمد (۱۳۹۶). «انگیزه‌های اقتصادی و دینی ایرانیان در مصالحه با عربها در قرن نخست بر اساس عهدنامه‌ها (رویکرد مقایسه‌ای)»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش ۲۵.
 - مقدسی، محمد بن‌احمد، (بی‌تا). *أحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، بیروت: دارالصادر.
 - نرشنخی، محمد بن‌جعفر (۱۳۶۳). *تاریخ بخارا*، تهران: توس.
 - یحیی بن آدم، (۱۹۸۷). *الخراج*، قاهره: دار الشروق.
 - یعقوبی، احمد بن‌واضح (بی‌تا). *تاریخ*، بیروت: دارالصادر.
-
- Athamina, Khalil (1998). "Non-Arab Regiments and Private Militias during the Umayyad Period", *Arabica*, Vol. 45, N. 4, 347-378.
 - Choksy, Jamsheed K. (1997). *Conflict and Cooperation: Zoroastrian Subalterns and Muslim Elites in Medieval Iranian Society*, New York: Colombia University Press.
 - Idem, (2006). "Altars, Precincts, and Temples: Medieval and Modern Zoroastrian Praxis", *Iran*, Vol. 44.
 - Idem (1989). *Purity and Pollution in Zoroastrianism: Triumph Over Evil*, Austin: University of Texas Press.
 - Idem & Firoze M. Kotwal (2005). "Praise and Piety: Niyāyišns and yašts in the History of Zoroastrian Praxis", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol.68, No. 2.
 - Daryaei, Touraj (2000). Review on "Conflict and Cooperation: Zoroastrian Subalterns and Muslim Elites in Medieval Iranian Society by Jamsheed K. Choksy", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 32, No. 1, Feb.
 - Donner, Fred (1994). *Narratives of Islamic Origins; The Beginning of Islamic Historical Writing*, Princeton & New Jersey: Darwin Press.
 - Hinds, Martin (1998). "The First Arab Conquests in Fars", *British Institute of Persian Studies*, Vol. 22.
 - Malandra, William W. (1999). Review on "Conflict and Cooperation: Zoroastrian Subalterns and Muslim Elites in Medieval Iranian Society

- by Jamsheed K. Choksy", *History of Religions*, Vol. 39, No. 2, Christianity in India.
- Idem (1991). Review on "Purity and Pollution in Zoroastrianism: Triumph over Evil", by Jamsheed K. Choksy, *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 111, No. 2.
 - Morony, Michael (1999). Review on "Conflict and Cooperation: Zoroastrian Subalterns and Muslim Elites in Medieval Iranian Society by Jamsheed K. Choksy", *Iranian Studies*, Vol. 32, No. 3.
 - Noth, Albrecht (1994). *The Early Arabic Historical Tradition A Source-Critical Study*, with Collaboration by Lawrence Conrad, Translated from the German by Michael Bonner, Princeton & New Jersey: Darwin Press.
 - http://indiana.edu/~relstud/people/profiles/choksy_jamsheed.

Archive of SID